



«جوان» سیاست‌های حقوقی و نقش شهروندان در مدیریت پسماند را بررسی کرد

قانون بازیافت باید مشارکت مردم را بازیابی کند!

کاغذ را دور می‌اندازید؟ شیشه را چطور؟ ظروف پلاستیکی و بسته‌بندی‌های مریب ترا نیز هم؟ چقدر به نقش شهروندی خود در مدیریت پسماند عمل می‌کنید؟ در حد جمع‌آوری درهای پلاستیکی در قبالت تحویل کالای خاص یا فراتر از آن قبول مسئولیت و حقوق شهروندی در قبالت تفکیک پسماندهای خشک و تر خانگی؟! مردم به عنوان

سوزه این هفته وقتی کلید خورد که یکی از دوستان نرم‌افزار موبایلی را معرفی کرد که در آن مدیریت پسماند هم تعریف شده بود، به این صورت که در این نرم‌افزار با مدیریت مشخصی پسماندهای

خشک با تعیین وقت مشخص از سوی شهروندان به مؤسسه مربوط تحویل داده می‌شود تا در محیط مشخص مبدل‌سازی‌های لازم صورت گیرد و در مقابل هم مبلغ نامحدودی در حساب شهروندی شارژ می‌شود، هر چند این مبلغ محدود و کم است اما مهم نفس این عمل بوده است که چرخه زباله‌گردی را به حداقل و حتی در صورت استقبال شهروندان به صفر می‌رساند. در واقع مدیریت پسماند نیازمند مواردی همچون ایجاد و توسعه سطل بازیافت در سطح شهر، فرهنگ‌سازی در خصوص بازیافت زباله‌ها، ملزم‌ساختن صنایع برای اختصاص بخشی از سود خود به مدیریت پسماند و بهره‌گیری از مشارکت شهروندان و بخش خصوصی در این حوزه است.

قانونی به نام مدیریت پسماند

قانون مدیریت پسماند در ۲۳ ماده و آیین‌نامه اجرایی آن در ۲۰ ماده، مناط تعیین وظایف هر دستگاه و حدود اختیارات آن در مدیریت پسماند است، البته اگر تخطی از ضوابط مدیریت پسماند یا تساهل در این زمینه به ایراد خسارات جانی یا مالی به افراد منجر شود، از طریق طرح دعوی خصوصی قابل پیگیری است و اگر اهالی یک شهر یا محله در معرض تهدیدات جانی و بیماری قرار گیرند نیز دادستان با استفاده از اختیارات قانونی مسئله را پیگیری می‌کند.

وفق ماده ۷ قانون مدیریت پسماند، مدیریت اجرایی تمامی پسماندها غیر از پسماندهای صنعتی و ویژه در شهرها و حریم آنها بر عهده شهرداری است که تعیین محدوده و حریم شهری بر اساس طرح‌های جامع شهری انجام می‌شود، البته بر اساس تبصره این ماده برون‌سپاری خدمات راجع به مدیریت پسماند از سوی شهرداری به اشخاص

یکی از ذی‌نفعان مدیریت پسماند باید در این کار مشارکت داشته باشند. از طریق حقوق و مشارکت مردم، تشخیص نیازها و اولویت‌بندی اهداف، مدیریت پسماندها کم‌هزینه‌تر و دارای صرفه‌های اقتصادی خواهد شد. تجربه کشورهای موفق نشان می‌دهد نقش شهروندان با سیاست‌های حقوقی مشخص باعث می‌شود مدیریت پسماند موفق



تجربه‌های جهانی مدیریت پسماند

ژاپن

ژاپن از جمله کشورهای موفق در زمینه مدیریت پسماند است. بر اساس قوانین موجود، نقش دولت مرکزی را می‌توان تأسیس چارچوب‌های مدیریت پسماند، افزایش اطلاع‌رسانی در مراحل مختلف جمع‌آوری، دفع پسماندها و کاربرد پسماندها و توسعه فناوری‌های مربوط دانست.

نقش دولت‌های محلی نیز کمک به انجام این برنامه‌ها تعریف شده است.

بر اساس قوانین مربوط، در کنار دولت مرکزی و دولت‌های محلی، مشارکت عموم مردم نیز از ارکان مهم مدیریت پسماند تعریف شده است، چرا که ژاپنی‌ها معتقدند کلید موفقیت در مدیریت پسماند، فهم، مشارکت و همکاری این سه بخش است.

ژاپنی‌ها معتقدند افراد جامعه باید به نقش مهم خودشان در کاهش (Reduce)، استفاده مجدد (Reuse) و بازیافت (Recycle) مواد واقف باشند.

تهیه پوستریهای مختلف و آموزش کودکان در این سنین پارای از جمله فعالیت‌های دولت ژاپن در این راستاست. در ژاپن مسئله تفکیک زباله بسیار جدی و بخشی از وظایف شهروندی است؛ هر ژاپنی از کودکی یاد می‌گیرد بهترین راه برای فهمیدن قوانین پیچیده دورریز در ژاپن کمتر تولید کردن زباله است.

در خیابان‌های ژاپن به ندرت رفتگری می‌بینید که در حال تمیز کردن خیابان باشند، نظافت خیابان و زیباسازی بر عهده شهروندان است و هر فردی موظف است خیابان رو به روی محل کسب خود را تمیز نگه دارد.

در ژاپن روزهای خاص زباله‌الکترونیکی تحویل می‌گیرند و به لحاظ ارزش اقتصادی به اندازه یک تن معدن سنگ و طلا ارزش دارد.

ایتالیا

در کشور ایتالیا پسماندها به عنوان تروتی ملی محسوب می‌شود و این موضوع در بخشی از قوانین مربوط به شهرداری‌های این کشور نیز به صراحت ذکر شده است، از همین رو تمامی شهروندان در قبالت پسماندها مسئول هستند و باید مدیریت شهرها را در استفاده بهینه از این تروتی باری کنند، البته در قبالت این موضوع، شهرداری‌ها نیز دارای وظایفی هستند که از آن جمله می‌توان به: تأمین تجهیزات نوین جمع‌آوری، استفاده از مخازن پسماند (به‌زای هر ۳ هزار نفر) و آموزش‌های صحیح دفع پسماند اشاره کرد. در کشور ایتالیا شهروندان موظفند پسماندهای خود را چون سایر شهروندان اروپایی در روزها و ساعت‌های خاصی مقابل منازل خود قرار دهند. پسماندها در ایتالیا فقط از طریق خودروها جمع‌آوری می‌شود که دارای گداهای شناسایی مورد تأیید شهرداری آن شهر هستند.

سوئیس

سوئیس تجهیزات بازیافت زباله خود را به درستی مورد تمجید قرار می‌دهد. شیشه و کاغذ نمونه‌ای از زباله‌هایی هستند که به طور متوسط در سوئیس دور انداخته نمی‌شوند. در اکثر سوپرمارکت‌ها سطل‌های مجزایی برای بطری‌هایی با شیشه سبز و قهوه‌ای وجود دارد.

هر شهر این کشور به طور ماهانه به جمع‌آوری رایگان زباله‌های کاغذی می‌پردازد که تنها شامل روزنامه‌های قدیمی نمی‌شود و اکثر مردم همه اشیای ساخته شده از مقوای نازک یا کاغذ را با پاکت غلات تا قبالت شهروندان در خانه‌های خود نگهداری کنند، از همین رو در شهر پاریس عمده‌سازمان‌ها دارای اتاقکی به نام اتاق بازیافت یا پسماند هستند.

فرانسه

فرانسه با تصویب قانون مدیریت پسماند در دهه ۸۰ یکی از پیشگامان مدیریت نوین پسماند در دنیا به شمار می‌آید، بنابراین این قانون در فرانسه تمامی مسائل به توليد، حمل‌ونقل و دفع پسماندها تحت قاعده و نظام خاصی صورت می‌گیرد.

اصلی‌ترین متولی جمع‌آورنده پسماندهای شهری کشور کمون‌ها یا حکومت‌های محلی هستند که تعداد آنها به ۳۰۰ عدد می‌رسد. هر کدام از این کمون‌ها که مانند استان در کشور ایران هستند، چندین شهر را تحت نظارت دارند. در این شهرها روال معمول بر این است که پسماندها به صورت هفتگی و در روزها و ساعت‌هایی مشخص برای هر محله از طریق خودروهای مخصوص جمع‌آوری شود. پسماندها در دو نوبت و از سوی دو گروه مختلف جمع‌آوری می‌شود.

یکی از این گروه‌ها تنها مسئولیت جمع‌آوری پسماندهای مخلوط را بر عهده دارد و دیگری پسماندهای تفکیک‌شده که در مخازن مخصوص هر خانواده نگهداری می‌شود. تعداد دفعات جمع‌آوری پسماندهای تفکیک‌شده به جهت تشویق شهروندان به تفکیک بیشتر است. در خلال نوبت‌های جمع‌آوری شهروندان موظف هستند پسماندها را در خانه‌های خود نگهداری کنند، از همین رو در شهر پاریس عمده‌سازمان‌ها دارای اتاقکی به نام اتاق بازیافت یا پسماند هستند.



است، به عنوان مثال در زمان خرید محصولات آلاینده مبلغ اضافی دریافت می‌شود که در زمان بازگرداندن پسماند آن مبلغ اضافه مسترد می‌شود. این حقوقدان معتقد است: تأمین محیط زیست سالم به عنوان یک خیر جمعی محتاج عملکرد مناسب همه مردم است. عملکرد نامناسب برخی افراد باعث خواهد شد دیگران یا باید از شرایط نامناسب رنج ببرند یا برای برون‌رفت از آن وضعیت، هزینه بیشتری از نوع مادی یا مالی متحمل شوند، از همین رو در اصل ۵۰ قانون اساسی از تعبیر (وظیفه عمومی) استفاده شده است.

وی در ادامه به ابعاد قانونی در این زمینه اشاره مستقیم می‌کند و توضیح می‌دهد: از ماده ۹ قانون مدیریت پسماند می‌توان به وجود تکلیف تفکیک پسماند پی برد و استدلال کرد که این تکلیف وجود دارد، منتها به دلیل آنکه این مهم برای شهروندان جذابیت مالی نداشته است و سازوکارهای جمع‌آوری آنها نیز ضعیف بوده و از کارایی لازم برخوردار نیست که متأثر

از چند مؤلفه مثل تراکم جمعیت در مناطق مختلف، عدم آموزش لازم، نبود تجهیزات مناسب دریافت پسماند تفکیک‌شده در سطح شهر و غیره است. جعفرزاده با تأکید بر اینکه امروزه سطل‌های جمع‌آوری زباله به محلی برای کسب درآمد تبدیل شده است، یادآور می‌شود: این وضعیت ناشی از وجود پسماندهایی است که از نظر اقتصادی ارزشمند هستند. این منبع درآمد موجب می‌شود پدیده زباله‌گردی افزایش یابد. در نهایت این مسئله سبب می‌شود منابعی که می‌تواند برای مدیریت پسماندها به کار گرفته شود، از دست برود و برای تأمین منابع مالی لازم برای این کار به منابع عمومی دیگر اتکا شود.

رئیس اداره تدوین مقررات و امور حقوق بین‌الملل سازمان بنادر و دریانوردی خاطر نشان می‌کند: هر چند این مسئله سبب خواهد شد برخی از زباله‌گردها برای تأمین نیازهای زندگی روزمره خود با مشکل مواجه شوند، اما باید تدابیری اندیشیده شود که بتوان از طریق به‌کارگیری آنها در مراکز مدیریت پسماند مسئله را تا حدی مرتفع کرد.

یادداشت

پسماندر را پول کنید

سیدواحد بزرگ‌نسب

بارها شنیده‌ایم که پسماند یا همان زباله را طلای کثیف می‌نامند، اما چرا؟ پاسخ ساده است، چه‌آنکه با بازیافت‌شان می‌توان موادی جدید تولید کرد و به درآمدزایی رسید، اما به همین راحتی هم نیست، مردم و دستگاه‌های متولی هر کدام نقشی اساسی در این چرخه دارند و برای تبدیل طلای کثیف به پول رایج، فرایندهایی وجود دارد که باید رعایت شود.

مهم‌ترین «باید»‌های مرتبط با مردم، توجه به اهمیت صنعت پسماند در چرخه اقتصادی کشور است، یعنی باید به این نکته توجه شود که هر چند بازیافت پسماند، فرایندهای پیچیده‌ای دارد اما حتماً می‌تواند سهم عمده‌ای در اقتصاد کشور داشته باشد.

مردم می‌توانند با تفکیک انواع پسماند خشک و تر به تسهیل بازیافت آن کمک کنند.

شهرداری غالباً در نقاط مختلف سطل‌های زباله مخصوص پسماندهای خشک و تر تعبیه کرده است و شهروندان در صورت تفکیک پسماندها و انتقال آن به هر یک از این سطل‌های زباله نقش مهمی در بازیافت آن و درآمدزایی شخصی و عمومی خواهند داشت، البته در نظر گرفتن طرح‌های تشویقی برای آن دسته از کسانی که نسبت به تفکیک پسماندها اهتمام دارند، در افزایش ضریب موفقیت طرح درآمدزایی از طلای کثیف مؤثر خواهد بود و در ضمن به تعمیق فرهنگ‌سازی این اقدام راهبردی نیز کمک اساسی خواهد کرد.

طبعاً نباید فراموش شود که تفکیک پسماندهای خشک و تر، در کنار درآمدزایی و صرفه‌جویی در هزینه‌ها به بهبود وضعیت آلودگی شهرها نیز کمک می‌کند. حتماً خاطر نشان است که در برخی شهرها، جمع پسماندهای خانگی و صنعتی چه فاجعه زیست‌محیطی به وجود آورده است و مع‌الأسف در برخی نقاط، مسئولان از سر کج‌فهمی و بی‌سلیقگی و شاید ناکارآمدی توجیهی به این مهم ندارند و زمانی به فکر چاره می‌افتند که با کار از کار گذشته است یا گشودن آن گره، به هزینه هنگفت و زمان طولانی نیاز دارد.

این رویه در برخی مناطق شهرهای شمالی به یک معضل ملی تبدیل شده است و همچنان در انتظار حل شدن قرار دارد. اینکه بی‌توجهی برخی مردم به جمع‌آوری تفکیک پسماندها، نوعی نافرمانی مدنی جازده شود، حتماً قرین به صحت نیست و مردم شهرهای مختلف به استناد اصالت و تاریخ کهنی که دارند، نظافت محیط زندگی و عقلایت زیست اجتماعی را پای برخی سیاسی‌کاری‌ها ذبح نمی‌کنند، به طوری که بارها در رویدادهای مهم، از جمله ورزشی شاهد بوده‌ایم که همین مردم استین‌ها را بالا زده‌اند تا نسبت به نظافت محل رویداد مورد نظر اقدام کنند، بنابراین آنچه مدنظر است باید نسبت به مزایای تفکیک پسماندهای خشک و تر بیشتر آگاه شوند تا از نتایج آن استفاده جمعی شود.

جان کلام آنکه اگر مردم به خوبی از نتایج تفکیک پسماندهای خشک و تر آگاه شوند و همچنین در جریان آورده‌های شخصی و جمعی این اقدام راهبردی قرار گیرند، حتماً به طور معجزه‌آسایی همراهی خواهند کرد، البته این اقدام مستلزم شفافیت در چگونگی هزینه‌کرد این درآمد‌هاست و باید مشخص شود چه میزان سرمایه اولیه لازم بوده است و چه میزان نیز سود شخصی و جمعی خواهد داشت. نکته‌ای که نباید از آن غافل شد، سوداگری و مافیای زباله است که احتمالاً مردم را مقدری نسبت به گردش مالی این حوزه و افراد ذی‌مدخل در آن دچار تردید کرده است و باید روشنگری قانع‌کننده‌ای صورت گیرد.

حرف آخر

برخی حقوقدانان و البته کارشناسان حوزه محیط زیست معتقدند ماهیت قانون ابراد دارد چرا که از ابتدا تا انتهای آن حرفی از مشارکت مردم و شهروندان نیامده است و بخش خصوصی در آن هیچ نقشی ندارد، چون نگاه قانونگذار این بود که چالش پسماند را در میان دستگاه‌ها حل کند. در واقع این شهروندان هستند که با آگاهی و اطلاع از شیوه و روش سایر کشورها باید مطالبه‌گری کنند تا این مطالبه‌گری بتواند به شیوه قانون تحقق پیدا کند.